

دوشنبه • ۱۶ آذر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۶۵ • ۹

روزنامه شرق

هنر

تازه‌اولِ یک‌کوره‌راه‌هستم	صفحه ۱۰
چهره‌به‌چهره باابراهیم گلستان	صفحه ۱۱
برای ریاست‌جمهوری یک زن تلاش می‌کنم	صفحه ۱۲

بوم سفید
مرو ۷۰ سال زندگی هنری محسن وزیری مقدم در گالری اعتماد آوای موسیقی ونقاشی آن جهانی میثم علی‌مددی

باید مطلقا مدرن بود - آرتور رمبو

در سال ۱۳۲۵ نخستین کنسرت ارکستر سمفونیک احیاشده تهران به رهبری پرویز محمود، با کمک هنرجویان دانشکده هنرهای زیبا در سالن دانشکده حقوق برپا می‌شود. برگزارکننده اصلی این برنامه جوانی است دانشجوی سال سوم رشته نقاشی و شیفته موسیقی کلاسیک و آرزوی دیرینه‌اش این است که ویلنست شود. این آرزو در او چنان ریشه‌دار است که برای فراهم‌کردن هزینه یادگیری ویلن، شب‌ها در غذاخوری دانشکده کار می‌کند. شیفنگی این جوان به بتهوون وصف‌ناپذیر است؛ چنان‌که سیما و حالت چهره‌اش بی‌شابهت به بتهوون نیست و صادق هدایت نیز که در این ایام در اتاقی در دانشگاه تهران روزگار می‌گذراند، او را بتهوون می‌نامد. نام این جوان محسن وزیری‌مقدم است و مقدر است که دریافتن از موسیقی کلاسیک را با جادوی رنگ و تصویر بیان کند و بدل به اوّلین نقاش ایرانی شود که تابلوهایش تجسم تصویری موسیقی کلاسیک و مدرن باشد. در نمایشگاه اخیر وزیری‌مقدم در گالری اعتماد، به مناسبت مرور ۷۰ سال زندگی هنری این نقاش، آنچه دیده می‌شد هارمونی چشم‌نواز فرم و رنگ و حجم بود و فضای نمایشگاه، هم‌نوایی باخ، بتهوون و بارتوک را طلب می‌کرد.

برای شناخت بهتر محسن وزیری‌مقدم، بی‌مناسبت نیست که از ویژگی‌های استاد مسلم او در زندگی هنری، یعنی بتهوون، یاری بگیریم. ج. سالیوان در کتاب سلوک روحی بتهوون چنین می‌نویسد: «ویژگی اساسی نگرش بتهوون را به زندگی در حد کمال یخچکی‌اش باید در نحوه درک او از رنج و پیروزی قهرمانی بدانیم. بتهوون توانایی درک ژرف و پرشوری از رنج داشت و همین امر تاب تحمل و قدرت عظیم کربنای نفس و ابراز وجود را نیز، بدان شرط که بر ناتوانایی هایش چیره می‌شد، لزوما در او ایجاب می‌کرد. بتهوون در آخرین کوارتتها در می‌یابد



که زندگی از پوته رنج می‌گذرد. از طرفی شخصیت مردی چون بتهوون ترکیب منسجمی است که به آهستگی و آرامی تحول و تکامل می‌یابد. تکامل شخصیت نیاز به زندگی درونی ژرف و غنی دارد و از اینجااست که تنها فقط هنرمندان بزرگ و رهبران مذهبی در چشم ما انسان‌های کامل می‌نمایند. در میان عناصر متشکله شخصیت بتهوون باید از نرمنش‌ناپذیری او نام ببریم. بتهوون در مقابل انتقاد بی‌اعتنا بود؛ رفتارش بی‌رحمانه می‌نمود؛ و به آداب و رسوم قراردادی وقعی نمی‌نهاد.» [۱]

باید گفت که وزیری‌مقدم را هم چنین هنرمندی می‌یابیم. عنصر رنج و انسان رنج‌کشیده در بیشتر آثار این هنرمند و به شکل ویژه در نقاشی‌های دوره هراس و پرواز دیده می‌شود. اما پیروزی قهرمانانه در آثار وزیری از آن انسان رنج‌کشیده‌ای است که برای بیان شوق بی‌پایانش به زندگی، پنجه بر خاک و شنن می‌کشد و پنجره‌ای می‌گشاید به جهان در نخستین دم آفرینش و البته روزنه‌ای برای تصویر جهان دیگر، که در نقاشی‌های دوره کیهانی تبلور می‌یابد. اما ویژگی نرمنش‌ناپذیری در وزیری‌مقدم چنان پررنگ است که سبب می‌شود در سال ۱۳۵۵ با توطئه ساواک از دانشگاه هنرهای زیبا اخراج شود. در اینجا باید به ویژگی دیگر وزیری‌مقدم اشاره کرد و آن همانا اشتیاق او به آموزش و انتقال دانش تجسمی کم‌نظیرش به هنرجویان و شاگردانش است و همین امر سبب برانگیختنشدن حسادت بسیاری از استادان دانشکده می‌شود. راه‌حل کوتاه‌نظران، حذف وزیری‌مقدم است؛ اما وزیری چه می‌کند؟ این هنرمند در مجموعه‌های «مدرنیزم نه بر جهان کلان که در جهان کوچکم‌بینانی، سمفونی‌های رنگین می‌آفریند. و اینجا با خُرد تکبید می‌کند و به‌این‌ترتیب، برای جنبه فردی بیش از جنبه اجتماعی اهمیت قائل می‌شود. مدرنیزم جنبه خودارجاعی دارد و هنری پدید می‌آورد که به خودش می‌پردازد و متناهی به وجود می‌آورد که بیشتر قائم به ذات هستند باززمانیانه.» [۲] در جهان نقاشی‌های محسن وزیری‌مقدم جهان خرد در هارمونی کامل با جهان کلان قرار دارد. پالت نامحدود وزیری نمایانگر جهان تمام‌انگهی هنرمندی است که حتی با وجود کم‌بینایی، سمفونی‌های رنگین می‌آفریند. و اینجا با بازنمایی دروینات هنرمندی روبه‌رو هستیم که در آثارش به قول بیدل: «شکست رنگ به صبح دمیده می‌ماند». در دنیایی با ارجاعات روشن به امر متعالی و دنیایی دیگر، انکسار نور، رنگین‌کمانی را پدید می‌آورد که تنها در آثار نقاش موسیقی‌دان ما بازتاب پیدا می‌کند. این است که وزیری‌مقدم به تعبیر رمبو مطلقا مدرن است و البته چیزی فراتر از آن.

ادامه در صفحه ۱۴

مکعب سفید

نگاهی به نمایشگاه رها رئیس‌نیا

چیدمان‌های بازگشتی

بهروز فاتحیان: گالری آبنبار این روزها در حالی میزبان مجموعه چیدمان رها رئیس‌نیا، هنرمند ایرانی ساکن آمریکا است که این هنرمند به‌تازگی و در ماه گذشته میلادی پنجمین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری «میگونل آبرو» نیویورک به تماشا گذاشت. حالا اوّلین نمایش انفرادی رئیس‌نیا در تهران فرصتی را برای آشناشدن با فعالیت‌های هنری این هنرمند فراهم کرده است.

رئیس‌نیا عناصر ساختاری سینما ازجمله، فضا، زمان، نورپردازی و پرده را در اجراهای زنده و چیدمان‌های بازگشتی، طوری به کار می‌گیرد که فیلم‌های او می‌توانند در سینمای امروز با دیگر آثار سینمایی برابری کند. او فرایندی لایه‌لایه و قابل جایگزینی در کارش دنبال می‌کند. این ویژگی امکان استفاده از تمامی فناوری‌های قدیم و جدید را به گونه‌ای برای او فراهم کرده است که تمام آثارش وابسته به توانایی دستان هنرمند او و آنچه می‌توانند خلق کنند، باشد. هر سه حیطه نقاشی، طراحی و فیلم‌سازی در تعامل و ارتباط با یکدیگر هستند. هر کدام به شیوه خود متأثر از دیگری بوده و او در زمان خلق طراحی‌ها این تأثیرات را مد نظر قرار می‌دهد. صدا و موسیقی نقش مهمی در الهام‌بخشی و فرم‌دهی نهایی آثارش ایفا می‌کنند. هنرمندان مختلف آثار او را «مشتاق شرایط زمانی و تجربی موسیقی» توصیف می‌کنند، توصیفی که می‌توان آن را در دو کلمه خلاصه کرد: وسوسه‌انگیز و مبهم. رها رئیس‌نیا می‌گوید: «چیزی که در تمامی آثار من خود را آشکار می‌کند، آسیب‌پذیری بشر است. با آنکه به نظر می‌رسد آثار من اشاره‌ای به مفاهیم ملال‌آور و غم‌انگیز زندگی بشر داشته باشند، اما هیزمان فلسفه‌ای مثبت‌اندیشانه دارند و روی کرامت انسانی تأکید می‌کنند.»

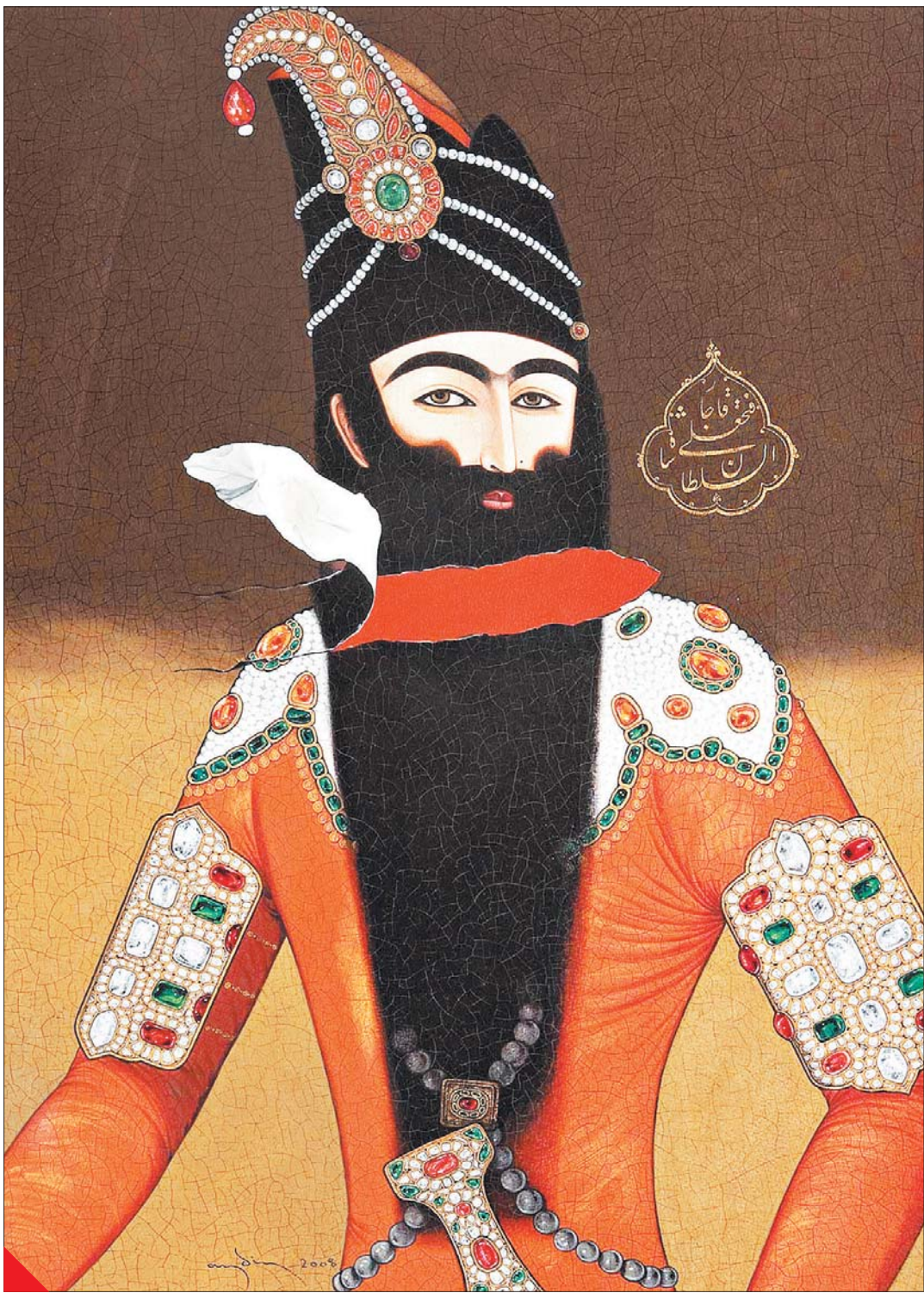
رئیس‌نیا طرح تراژدی را در آثارش رد می‌کند؛ «تأکید می‌کنم که من هیچ اشاره‌ای به تراژدی را در آثارم دنبال نکرده‌ام. درواقع کاملا برعکس، مجموعه‌های «تصویر خیال: سیاه و سفید»، «تصویر خیال: قرمز»، نیز از مجموعه عکس‌های مونتازشده جلالی است که از نگاتیوهای دوره قاجار گرفته شده‌اند. نگاه به دوره قاجار در گرافیک، نقاشی و عکاسی وی نگاه عیبی است، گویی نقد زمان خویش و پناه‌بردن به گذشته است. آثار دیگری از نقش‌مایه‌ها و نمادها و مضامین هنر دوران قاجار بهره گرفته‌اند. این دسته از آثار بیشتر شامل عناصر تزینی به‌کاررفته در هنر دوران قاجار است؛ برای عنصر «پته‌جقه» ازجمله نقش‌مایه‌هایی است که در دوران قاجار به کثرت از آن استفاده شده است. هنر معاصر و گاهی هنر جدید ایران نیز از این نقش‌مایه بی‌نصیب نمانده است. نقاشان مکتب سقاخانه، ازجمله کسانی بودند که به استفاده از این‌گونه نقش‌مایه‌ها رغبت فراوان نشان داده و برخی از آنان به صورت شابلون‌وار از این نقوش در آثارشان استفاده کرده‌اند. ژازه تاتبایی در نقاشی‌های خود از ویژگی‌های چهره‌های قاجاری (ابروان پیوسته، چشم بادامی و کشیده و خال سیاه) بسیار بهره گرفته است. همچنین موضوع نقاشی‌های ناصر اویسی از نقاشان سقاخانه بیشتر شاهزاده‌هایی با این ویژگی‌هاست. در این آثار تصویر سواره‌های اسب و شاهزاده خانم‌های چابک، برگرفته از طرح‌ها و نقش‌مایه‌های سلجوقی و قاجاری است. هنرمند با به‌کارگیری این ویژگی‌ها سعی در نشان‌دادن هویت ایرانی داشته است. پرویز کلاتری نیز در آثارش به نوع دیگری از عناصر آشنا و ویژه دوره قاجار بهره‌برداری کرده است. صادق تبریزی از دیگر هنرمندان این دوره است که از تلفیق پیکره‌های صفوی و قاجاری و عناصر تزینی این دوران آثاری را به تصویر کشیده است.

مضامین، عناصر پهلوانی و پهلوانان

از دیگر موارد در‌خور توجه در میان آثار هنرمندان معاصر، استفاده از مضامین، عناصر پهلوانی و موضوعات پهلوانان است که بیشتر در آثار هنرمندانی چون بهمن جلالی، خسرو حسن‌زاده، محمدعلی ترقی‌جاه و صادق تیرافکن مشاهده می‌شود. در این‌گونه آثار، از ژست‌های (حالات پیکره‌ها) پهلوانی – که معمولا در برابر دوربین عکاسی از خود نشان می‌دادند- با تکنیک‌های متفاوتی بازنمایی و استفاده شده است. پیکره خاص پهلوانان، طرز پوشش و ویژگی ظاهری‌شان، ازجمله عناصری است که در آثار این هنرمندان به آنها توجه شده است.

• عضو هیات‌علمی دانشگاه هنر اصفهان. این مقاله چپیده سخنرانی

امانی در اختتامیه نمایشگاه «قاجاریات» است که پنجم دسامبر در دوحه



تجسمی، منهدم یا به‌اصطلاح، خط می‌زند. در این‌گونه آثار، هنرمند در پی ساخت‌وساز است و «ریزترتک‌هایی» را که نشان از قدمت و کهنگی است با نقاشی نوافقی‌نی می‌کند. به بیان خود هنرمند درباره این‌گونه از آثار، وی به انهدام ارزش‌های زمانه‌اش پرداخته و خواسته است هتاکي و تخریب ارزش‌های اصیل را بنمایاند.

شمایل قاجاری محمص

اردشیر محمص با توجه به روش‌های فنی گرافیک – ویژه دوره قاجار– و ادغام آن با هنر معاصر، موفق می‌شود به زبانی بسیار آشنا، تلخ، سیاه، مستقل و خاص دست پیدا کند. موضوع آثار او از کاریکاتورهای ساده با مجله «توفیق» در دهه ۴۰ آغاز می‌شود. وی با طرح‌هایی از طنز سیاه و پر از هاشورهای ریز، با موضوع جابه‌جایی بخش‌های مختلف اندام انسانی، نگاهی تند به دوران قاجار می‌اندازد. در پاره‌ای از کارهای اردشیر محمص، وقایع نگاری عصر تملق و شمایل قاجاری، برای او تمثیلی بیش نیست. اردشیر محمصی درامی را به تصویر می‌کشد که تضادی است بر جریان مدرنیزه؛ میان شخصیت‌ها و آداب و رسومی که نشان از سنت‌های قاجاری دارند. کاریکاتورهای طراحی‌گونه وی، نشان از تقابل او در برابر توحش زمانه، بوروکراسی، اختلاف طبقاتی و… است که به‌دور از انسان‌گرایی شکل می‌گیرد؛ شخصیت‌هایی که لباس‌های پولادین و فاخر برتن دارند، اما سرشان بر تن زیادی می‌کند. یا شخصیت‌های روشنگری که گرفتار زرق‌ورق و تشریفات قاجاری شده‌اند؛ به‌طوری‌که مدال‌های افتخار و نشان‌های قاجاری، مجالی برای نفس‌کشیدن‌شان باقی نمی‌گذارد.

عکس‌های قاجاری بهمن جلالی

از کارهای جلالی، گردآوری و اصلاح نگاتیوهای شیشه‌ای گنجینه کاخ گلستان بود که با نگاهی متفاوت، عکس‌های مربوط به دوره قاجاری را تغییر و در نمایشگاه‌های خارج و داخل کشور در معرض دید قرار داد. مجموعه‌های «تصویر خیال: سیاه و سفید»، «تصویر خیال: قرمز»، نیز از مجموعه عکس‌های مونتازشده جلالی است که از نگاتیوهای دوره قاجار گرفته شده‌اند. نگاه به دوره قاجار در گرافیک، نقاشی و عکاسی وی نگاه عیبی است، گویی نقد زمان خویش و پناه‌بردن به گذشته است. آثار دیگری از نقش‌مایه‌ها و نمادها و مضامین هنر دوران قاجار بهره گرفته‌اند. این دسته از آثار بیشتر شامل عناصر تزینی به‌کاررفته در هنر دوران قاجار است؛ برای عنصر «پته‌جقه» ازجمله نقش‌مایه‌هایی است که در دوران قاجار به کثرت از آن استفاده شده است. هنر معاصر و گاهی هنر جدید ایران نیز از این نقش‌مایه بی‌نصیب نمانده است. نقاشان مکتب سقاخانه، ازجمله کسانی بودند که به استفاده از این‌گونه نقش‌مایه‌ها رغبت فراوان نشان داده و برخی از آنان به صورت شابلون‌وار از این نقوش در آثارشان استفاده کرده‌اند. ژازه تاتبایی در نقاشی‌های خود از ویژگی‌های چهره‌های قاجاری (ابروان پیوسته، چشم بادامی و کشیده و خال سیاه) بسیار بهره گرفته است. همچنین موضوع نقاشی‌های ناصر اویسی از نقاشان سقاخانه بیشتر شاهزاده‌هایی با این ویژگی‌هاست. در این آثار تصویر سواره‌های اسب و شاهزاده خانم‌های چابک، برگرفته از طرح‌ها و نقش‌مایه‌های سلجوقی و قاجاری است. هنرمند با به‌کارگیری این ویژگی‌ها سعی در نشان‌دادن هویت ایرانی داشته است. پرویز کلاتری نیز در آثارش به نوع دیگری از عناصر آشنا و ویژه دوره قاجار بهره‌برداری کرده است. صادق تبریزی از دیگر هنرمندان این دوره است که از تلفیق پیکره‌های صفوی و قاجاری و عناصر تزینی این دوران آثاری را به تصویر کشیده است.

از دیگر موارد در‌خور توجه در میان آثار هنرمندان معاصر، استفاده از مضامین، عناصر پهلوانی و موضوعات پهلوانان است که بیشتر در آثار هنرمندانی چون بهمن جلالی، خسرو حسن‌زاده، محمدعلی ترقی‌جاه و صادق تیرافکن مشاهده می‌شود. در این‌گونه آثار، از ژست‌های (حالات پیکره‌ها) پهلوانی – که معمولا در برابر دوربین عکاسی از خود نشان می‌دادند- با تکنیک‌های متفاوتی بازنمایی و استفاده شده است. پیکره خاص پهلوانان، طرز پوشش و ویژگی ظاهری‌شان، ازجمله عناصری است که در آثار این هنرمندان به آنها توجه شده است.

• عضو هیات‌علمی دانشگاه هنر اصفهان. این مقاله چپیده سخنرانی

امانی در اختتامیه نمایشگاه «قاجاریات» است که پنجم دسامبر در دوحه

ایراد شد و اختصاصا در اختیار «شرق» قرار گرفته است.



از فرهنگی، اعتقادی، عرفی و… است. اما به هر صورت دربردارنده ژن‌هایی است که در خلق آثار هنری و ادبی بی‌تأثیر نبودند.

بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیر هنر قاجار بر هنر مدرن ومعاصر ایران

– به دلیل ورود هنرهایی چون عکاسی به ایران، دوره قاجار آغاز دوره مدرنیزم در تاریخ هنر ایران محسوب می‌شود. با این رویداد تاریخی، مفهوم هنر در کشور دچار دگرگونی‌های عمیقی شده و برابند‌های ساختاری، تکنیکی و محتوایی جدیدی را وارد جریان هنر ایران کرده است. از سوی دیگر، پدیده‌ای مانند آرشبو عکس در ایران که به نوعی به تثبیت سندیت تاریخی و گسترش رویکردهای زیبایی‌شناسانه نیز می‌انجامد، در این دوره صورت می‌گیرد. این تحول در واقع، تصویری‌کردن واقع‌نمایانه (رنالیستی) از گذشته است که می‌تواند حسن نوستالژی‌ای ما را به دوران پیشین مرتبط کند. به بیان دیگر، می‌توان گفت، کهن‌ترین دوران «تاریخ تصویری واقع‌نمایانه» مربوط به زمان قاجاریه است. آنجا که پیش از آن تصاویر مستندی وجود نداشته و فرهنگ تصویری قبل، بیشتر به صورت «مثالین» مطرح می‌شده است. با وجود این، استفاده هنرمند معاصر و امروزیان از بار تاریخی و حس نوستالژیک عکس‌ها و نشانه‌های این دوره امری گریزن‌ناپذیر است.

– پدیده مهم مختص این عصر، انتشار «روزنامه» است. پدیده‌ای ارتباطی و مدرن که اساسا جزء ذاتی عصر مدرن محسوب می‌شود. انتشار روزنامه علاوه بر ترویج فرهنگ اطلاع‌رسانی، به لاف و نشر دیدگاه‌های مختلف زیبایی‌شناسی نیز منجر می‌شود. بدین وسیله امر اطلاع‌رسانی برای طیف گسترده مردم، از انحصار حوزه‌های سنتی درآمده و سیر استکمالی خویش را با سرعت زیادی طی می‌کند. همه اینن تلاش‌ها منجر به پیدایی آگاهی جامع‌تری شده و تحولات شگرفی را در تاریخ اجتماعی ایران رقم می‌زنند که می‌توان از جمله آنها به انقلاب مشروطیت اشاره کرد. «ژورنالیسم» حاصل فرهنگ و زبان خاصی است که حاصل مدرنیزسم و دنیای جدید است. این پدیده، اطلاعات مختلف اجتماعی و فرهنگی را از انحصار حوزه‌های سنتی بیرون کشیده و مابین همه اقشار اجتماعی می‌گستراند. روزنامه‌های دوره قاجار دربردارنده تصاویری از واقعیت‌های اجتماعی‌اند که در تأثیرگذاری بیان تصویری جامعه نقش اساسی داشته‌اند؛ به‌ویژه این تأثیر در نبود رسانه‌هایی چون تلویزیون و سینما تأثیر بیشتری داشته است. گرافیزم تصویری و حضور مکرر برخی نقش‌مایه‌ها در اجتماع.

– نقاشی‌های قاجار، سیاسی‌سازی و سیاست‌نگاری می‌کنند. این زایش سیاست در تابلوها، وجوه فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و… دارد. جامعه ایران در این دوره طولانی، با مشکلات ملی و هویتی زیادی مثل از دست‌دادن پاره‌هایی از وجود، محدودشدن جغرافیا و حوادث تلخ سیاسی، نظامی و فرهنگی روبه‌رو بوده است؛ بنابراین بازگشت به قاجار نوعی یادآوری شکست سیاست‌ها و بی‌ثباتی را در برخی موارد گوشزد می‌کند. هنر قاجار، ضمن به‌تصویرکشیدن گذشته، به تصویرپردازی آینده نیز می‌پردازد. پس هنر این دوره یک وضعیت نالیستا و گذرا را به تصویر می‌کشد که ویژگی‌های مشخصی دارد:

– نخست در جامعه‌ای که تا آن زمان نقاشی عمدتاً تصویرگر و در خدمت کتاب یا اسطوره‌سازی بود، کشیدن پرتره رواج پیدا می‌کند. در این وضعیت، فرد اشرافی به جای اسطوره، خودش را به تصویر می‌کشد؛ در آن زمان جامعه ما، به سمت تولد فردیت پیش می‌رود. دوم، تولد یک طبقه اجتماعی نو و نیز تولد جامعه از ویژگی‌های این دوره است. پس می‌توانیم بگوییم دوره قاجار، از زمان امیرکبیر به بعد با مفاهیمی چون «نواوری» و «تخخص» روبه‌رو بوده است. اولین نگاه ما به سمت آثاری است که به طور مستقیم از هنر دوران قاجار بهره گرفته‌اند. این دسته از آثار فرم یا محتوا را به طور مستقیم از هنر قاجار وام گرفته‌اند و با بهره‌گیری از رسانه‌های دیگر آن را به عنوان اثر جدیدی عرضه کرده‌اند. برای شناخت این دسته از آثار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

خاطرات انهدام

خاطرات انهدام، نام مجموعه‌ای از آثار آیدین آغداشلو است که بخشی از آن مربوط به سنت‌های تصویری دوره قاجار است. او با حساسیت ویژه‌ای سعی در کبی‌سازی آثار این دوره دارد و آن را با ابزارهایی از جنس

نوقاجارگرایی در هنر معاصر ایران

زایش سیاست درتابلو



هنر دوره قاجار، به نوعی هنر دوره گذار محسوب می‌شود. مضامین آن اشاره‌ای است به آینده‌ای که هنوز متولد نشده و صرفا گذشته را نشان نمی‌دهد. هنر این دوره، به دلایل در‌خور توجهی؛ ازجمله آغاز دوره مدرنیزم در ایران، ورود صنعت چاپ و کتاب، رواج روشننگری، تأسیس دارالفنون، رواج بیان فردیت، وضعیت نالیستا و گذرایی را به تصویر می‌کشد. با بررسی نمونه‌های انتخاب‌شده، عناصر و نشانه‌های آشکار و پنهان آثار هنرمندان هنرهای تجسمی مدرن و معاصر ایران که پیوندی با دوره قاجار دارند، شناسایی و واکاوی و پس از بررسی‌های ابتدایی روشن شد بسیاری از عناصر و ویژگی‌های هنر قاجار، هنوز در هنر امروز ما جریان و تداوم دارند که می‌توان آنها را در سه سطح طبقه‌بندی و بررسی کرد:

– اول: آثاری که به طور مستقیم از هنر دوران قاجار بهره گرفته‌اند. دوم: آثاری که از نقش‌مایه‌ها و نمادهای دوران قاجار متأثر شده‌اند. – سوم: آثاری که در لایه‌های پنهان خود از مضامین این فرهنگ نشئت گرفته‌اند.

بررسی نمونه‌های موجود نشان می‌دهد هنرمندان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به بهره‌گیری از عناصر ظاهری و صورت‌برداری از نمونه‌های نقاشی دوره قاجار تمایل بیشتری داشته‌اند. به بیان دیگر، شاید بتوان به طور کلی این‌گونه گفت: سیر تحول هنر قاجار در هنر معاصر و جدید ایران از صورت و ظاهر به لایه‌های بعدی و پنهان‌تر نفوذ کرده است.

مقدمه

در هنر معاصر و جدید ایران، همواره در کنار نوجویی‌ها، عناصر و سنت‌های هنری مربوط به گذشته تداوم داشته است. این عناصر، گاهی به‌وضوح دیده می‌شوند و گاه در لایه‌های درونی و در بطن آثار جای گرفته‌اند. در بین آثار هنرمندان مدرن، معاصر و جدید ایران، استفاده از عناصر و نقش‌مایه‌های دوره قاجار به وفور دیده می‌شوند. این هنرمندان علاوه بر بهره‌گیری از عناصر نوین، از عناصر دوره‌های پیشین، به‌ویژه دوره قاجار نیز بهره گرفته و گاه هر دو را به هم می‌آمیخته‌اند تا به قابلیت‌های بیانی نو، در قالب‌های جدید- دست یابند. آنها در این راه همواره به عناصر تزینی این دوران توجه خاصی داشته‌اند.

شاید بتوان با ملاحظاتی گفت هنر معاصر و جدید ایران، پدیده‌ای وارداتی بوده و ریشه در بسیاری از جریان‌های هنری جهان دارد. این هنرها که در ابتدای ورود با استقبال بسیاری ازجمله نسل جوان مواجه شد، در روند روبه‌رشد خود در ایران، با پشت‌سرنهاندن شور و هیجان‌های اولیه، به شکل معقولی به حیات خود ادامه داد. برخی از هنرمندان ایرانی با پناه‌بردن به عناصر و نقش‌مایه‌های دوره قاجار، به طرح مسئله هویت بومی، سنتی و لزوم آن در آثار هنری خویش پرداختند که این فرایند همچنان ادامه دارد.

سال‌های گذشته، هنر دوره قاجار را بدون درنظرگرفتن شرایط تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی با واژگانی چون «ضعیف» یا «پیش‌پافتاده» و امثال این تفسیر و هنرمندان این دوره را «نابلد» و آماتور معرفی می‌کردند، اما امروزه با بازشناسی ابعاد زیبایی‌شناختی و معیارهای آن در هنر قاجار – که هنوز هم ادامه دارد- از آن به عنوان مکتب هنری مستقل و فاخر یاد می‌شود. با شناخت جنبه‌های تازه این مکتب هنری، می‌توان در این دوره – که نشان زنده و جاری‌بودن آن است- حضور مشهود و پنهان جنبه‌های مختلفی را دید. جنبه‌هایی که تا عصر حاضر تداوم یافته است.

در سال‌های اخیر، به دلیل شرایط خاص سیاسی، فرهنگی واجتماعی، توسعه و گسترش گرایش‌ها و رویه‌های هنری در کشورمان شتاب گرفته و از سوی هنردوستان، به‌ویژه هنرمندان نسل جوان پیگیری می‌شود. دراین‌بین بهره‌گیری از ویژگی‌های تصویری دوره قاجار اولویت خاصی دارد. آثار به‌وجودآمده از این فرایند در ایران، نشان‌دهنده حضور فرهنگ تصویری قاجاری و جایگاه آن در هنر مدرن و معاصر و جدید ایرانی است. استفاده‌های فرابنده و گاه نایجا از این فرهنگ تصویری در آثار هنرمندان معاصر، به‌ویژه در عرصه هویت‌یابی تأمل‌برانگیز است و جای انتقاد دارد.

نوقاجارگرایی

سابقه نقاشی قاجار به دوره‌های آخر صفویه، به‌ویژه دوران زندیه می‌رسد.... نقاشی و زندگی هنری دربار قاجار در حقیقت از دومین پادشاه این خاندان شروع می‌شود. فتحعلی شاه بیش از ۳۵ سال سلطنت کرد و همچنین دوران ۵۰ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه که نسبتا دوران امن و آرامی بود و امکان پرداختن به امور هنری و تجمل ذوقی برای درباریان، شاهزادگان و اشراف و ثروتمندان تا حدی وجود داشت. خود شاه هم از ذوق بی‌بهره نبود یا لاقاف به داشتن آن و علاقه به هنر تظاهری می‌کرد. چند طرح و سفرنامه و همچنین آلبوم‌هایی از مجموعه عکس‌های حرمسرا، زنان درباری و خودش، از او باقی مانده است. تحول اجتماع ایران در رابطه با غرب، آرامش نسبی و طولانی و هنردوستی شاه و به تقلید از او تظاهر درباریان و اشراف‌زادگان به هنردوستی، سبب رشد هنر در این دوران شد. واژه «نوقاجارگرایی» در برابر آثار هنری و گرایش‌های معاصر و جدیدی قرار دارد که از ویژگی‌های دوران قاجاریه در سطوح مختلفی بهره گرفته‌است. نوقاجارگرایی فراتر از هنر و شامل همه واقعیات اجتماعی اعم